

بررسی سبک‌شناسی لایه‌ای اشعار علوی پس از انقلاب اسلامی

سکینه مهدوی کلاته‌نو^۱

محمود فیروزی مقدم^۲

مهیار علوی مقدم^۳

علی صادقی‌منش^۴

چکیده

شعر علوی یکی از شاخه‌های شعر آیینی است که به توصیف شخصیت و فضایل حضرت علی (ع) و اظهار ارادت شاعران نسبت به ایشان می‌پردازد و به لحاظ الگوسازی از یک انسان کامل اهمیت زیادی دارد. بررسی لایه‌های سبکی این گونه شعر ما را به درک و تفسیری بهتر از آن می‌رساند. کاربرد واژگان دینی و تازه، عینی بودن واژگان، ساخت ساده جملات در اغلب موارد از ویژگی‌های برجسته زبانی این اشعار است. آهنگ و تناسب موسیقایی واژه‌ها و نشان‌دار بودن آن‌ها و هم‌چنین ساختار تعابیر و پویا بودن از دیگر ویژگی‌های این نوع شعر به شمار می‌آید. بنابراین برای تبیین گستره سبک، مشخصه‌های زبانی همراه با ویژگی‌های بلاغی و قلمرو اندیشه‌های شاعران به طور موازی در خدمت اهداف کلی شعر بررسی می‌گردد. این مقاله به شیوه توصیفی، تحلیلی لایه‌های سبکی اشعار علوی بعد از انقلاب اسلامی را بررسی می‌نماید و تکامل اشعار را در چهار لایه آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های این پژوهش این اشعار در حوزه واژگان و تصاویر دارای برجستگی است.

واژگان کلیدی: شعر آیینی، شعر علوی، انقلاب اسلامی، سبک‌شناسی، لایه‌ها و سطوح.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۷

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی واحد تربت حیدریه دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران sakinemahdavi32@gmail.com

۲- استادیار زبان و ادبیات فارسی واحد تربت حیدریه دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران، نویسنده مسئول firouzimoghaddam@gmail.com

۳- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری m.alavi@yahoo.com

۴- استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه حکیم سبزواری a.sadeghimanesh@hsu.ac.ir

مقدمه

در بررسی آثار شعرا از سده‌های گذشته، این نکته به روشنی مشخص می‌شود که اکثر آنان نسبت به حضرت علی علیه السلام عرض ارادت کرده و شخصیت ایشان مورد توجه شاعران قرار گرفته است. شاعران کلاسیک و معاصر زیادی به توصیف و ستایش ایشان پرداختند. فردوسی، عطار، مولانا و بسیاری از شاعران نابترین اشعار خود را دربارهٔ ایشان سروده‌اند. تجلی امام علی علیه السلام در شعر فارسی قدمتی طولانی دارد و به حاکمیت حاکمان شیعه در ایران محدود نمی‌شود.

شعر علوی به خاطر پیشینهٔ بلندمدت و شرح و بیان‌های طولانی از حوادث تاریخی بیش‌تر در قالب‌های سنتی و کلاسیک، مانند قصیده، مثنوی سروده شده است، هر چند که در دوران معاصر اشعار بسیار خوبی در قالب‌های نیمایی از آن وجود دارد.

در سال‌های پس از انقلاب اسلامی، شاعران زیادی به سرودن اشعار در مورد معصومین علیهم السلام روی آوردند که شعر علوی هم یک نمونه از آن‌ها است. با توجه به شخصیت والا و اثرگذار حضرت علی علیه السلام به عنوان نمونه‌ای از یک انسان کامل، لزوم توجه و شناخت شعر را بیش‌تر می‌کند. تحلیل و تفسیر این نوع شعر با استفاده از رویکرد سبک‌شناسی می‌تواند برجستگی‌های زبانی در لایه‌های سبکی شعر را نشان دهد و میزان تأثیر این عوامل را بر چگونگی ارایهٔ محتوای شعر مشخص نماید و راهی برای شناخت و پیشرفت آن فراهم نماید.

۱- ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینهٔ پژوهش

در خصوص سبک‌شناسی پژوهش‌های فراوانی انجام شده است. باز شدن افقی جدید در حوزهٔ زبان‌شناسی، نقد ادبی و سبک‌شناسی این موقعیت را به وجود آورده تا آثار، از دیدگاه‌های نوین مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. سروده‌های آیینی از جمله اشعار علوی دارای بستری مناسب و غنی برای این نوع تحقیقات است. تاکنون دربارهٔ سبک‌شناسی و شعر علوی با رویکرد سبک‌شناسی لایه‌ای پژوهشی مستقل و در خور توجه صورت نگرفته است، اما می‌توان از منابعی یاد کرد که محتوای آن‌ها تا حدودی با این مقوله پیوند دارد. از جمله پژوهش‌های انجام شده می‌توان به این موارد اشاره نمود:

الف - مقالات:

۱- پیمان صالحی، پریسا امیری و مهران معصومی، ۱۳۹۹، «کارکرد لایه واژگانی در بیان ایدئولوژی حاکم بر مدایح علوی عبدالله الوایل احسانی»، نشریه لسان مبین، ۱۳۹۹، شماره ۴۲، علمی-پژوهشی، صص ۶۰ تا ۷۸. نویسندگان در این مقاله تلاش کرده‌اند تا با دو رویکرد تحلیل زبانی - محتوایی و آماری به بررسی لایهٔ واژگانی و تحلیل ایدئولوژی حاکم بر مدایح علوی عبدالله الوایل احسانی، شاعر عربستانی بپردازند.

۲- حسین یوسفی آملی، مصطفی کمالجو و مریم اطهری، «تحلیل و بررسی خطبه ۲۲۳ نهج البلاغه از منظر سبک‌شناسی لایه‌ای»، فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، خرداد ۱۳۹۷، شماره ۹، صص ۵۱ تا ۷۴. این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی چهار لایه (آوایی، بلاغی، نحوی و واژگانی) در خطبه ۲۲۳ نهج البلاغه می‌پردازد. برآیند این پژوهش نشان می‌دهد موسیقی و آهنگ ناشی از تکرار آواها و سجع موجود در خطبه مذکور در لایه آوایی بر زیبایی محتوایی متن افزوده است.

۳- اکرم اکرمی و زهرا پارساپور، «بازشناخت تحلیلی گونه‌های کم‌تر شناخته شده در نوع ادبی شعر علوی»، فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی، دانشگاه ادبیات و علوم انسانی دانشگاه حکیم سبزواری، ۱۳۹۵، فصل تابستان، شماره ۳، صص ۵۵ تا ۷۸، که در آن انواع ادبی را در شعر علوی شناسایی و معرفی نمودند که تقسیم‌بندی آن‌ها بر اساس محتوا و درون مایه بوده که غالباً اسامی اشعار یا مجموعه شعری مبتنی بر آن بعدها به شکل یک نوع ادبی در ادبیات دینی مطرح شده است. بعضی از این گونه‌ها، مانند غدیریه سرایی و فتوت‌نامه پیش از این معرفی شده‌اند و تعدادی، مثل ترجمه‌سرایی، ولایت‌نامه، خیبرنامه در این مقاله برای نخستین بار معرفی و مطرح می‌شوند.

ب- کتب:

محمود فتوحی رود معجنی، «سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها»، ۱۳۹۵، چاپ سوم، تهران، انتشارات سخن که روش مندرج در آن به عنوان مرجع در این پژوهش استفاده می‌شود. این کتاب غنی‌ترین منبع فارسی در این زمینه است. این اثر در دو بخش کلی سبک‌شناسی نظری و عملی فراهم آمده و مؤلف در بخش دوم که به لحاظ کمی، سهم قابل توجهی از این کتاب را به خود اختصاص داده است، به سبک‌شناسی عملی در قالب سبک‌شناسی لایه‌ای و نحوه بررسی اثر ادبی با این رویکرد می‌پردازد.

بیش‌تر پژوهش‌ها در این موضوع جنبه معناگرایانه و محتوا محور داشته است و یا پژوهشگران حوزه سبک‌شناسی بیش‌تر به بررسی لایه‌های سبکی قسمت‌هایی از نهج البلاغه پرداخته‌اند و پژوهش سبک‌شناسی در زمینه اشعار علوی پس از انقلاب اولین بار در این مقاله انجام خواهد شد.

۱-۲. پرسش‌های پژوهش

- ۱- در سبک‌شناسی شعر علوی انقلاب اسلامی چه لایه‌ها و سطوحی بررسی می‌گردد؟
- ۲- بررسی لایه‌های سبکی چه نقشی در شناخت محتوای این شعر و انتقال آن به مخاطبان برعهده دارد؟

۱-۳. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- سبک‌شناسی لایه‌ای به عنوان یکی از روش‌های نوین سبک‌شناسی به شمار می‌رود.
- ۲- این روش با ارایه الگوی زبان شناختی به تجزیه و تحلیل ویژگی‌های سبکی متن در اشعار علوی انقلاب اسلامی و چگونگی شکل‌گیری مفاهیم در آن می‌پردازد.

۱-۴. اهمیت و ضرورت پژوهش

بررسی لایه‌های زبانی، دانشی است که از جامع‌ترین شیوه‌ها در بررسی متون بهره می‌گیرد؛ به این معنی که از کوچک‌ترین سازه‌های زبان، یعنی آواها آغاز می‌کند و تا واژگان و انواع و کیفیت کاربرد آن‌ها، تعبیر و ترکیبات، نحو و ساختار جمله‌ها، بلاغت و کاربرد اندیشه و ایدئولوژی هنرمند به تجزیه و تحلیل می‌پردازد و در نهایت از مجموع کلیت ساختاری اثر به اهداف هنری سخنور پی می‌برد. درنگ در ساختار زبانی شعر علوی و چگونگی پیوند زبان با موضوع دینی و آیینی از مهم‌ترین چالش‌ها در این مقاله است. اهمیت این موضوع پژوهشی حاضر از آن جهت است که ادبیات آیینی، ادبیاتی معناگرا به شمار می‌آید و به ویژگی‌های لفظی و ساختاری آن کم‌تر توجه شده است، اما با درنگ در این آثار می‌توان ویژگی‌ها و برجستگی‌های لفظی و ساختاری گوناگون در آن را مشخص نمود و نوآوری‌های شاعران و تصرفات آن‌ها را در لایه‌های آوایی، واژگانی و تصویری مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. بی‌تردید بررسی این اشعار به صورت سبک‌شناسی مدرن می‌تواند موجب شناخت و تفسیر بهتر این اشعار شود و اهمیت و ارزش هنری و زیباشناختی و فکری آن شناخته گردد.

۱-۵. روش پژوهش

شناخت لایه‌های سبکی شعر علوی رویکردی نو در شناخت این شعر می‌باشد که کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و مطالعات اسنادی کتابخانه‌ای مشخص خواهد کرد کدام ویژگی‌های زبانی نقشی مهم‌تر در فهم و تفسیر متن دارند و چه مشترکات و چه تحولاتی فکری در طول زمان و در بین شعرای مختلف از این منظر وجود دارد که منجر به تحولات زبانی شده است.

۲. سبک‌شناسی

سبک^۱ در معنای عام و در متداول‌ترین و رایج‌ترین مفهوم، عبارت از «شیوه خاص انجام یک کار» است. اصطلاح «سبک» که در زبان‌شناسی و در ادبیات بر شیوه رفتارهای زبانی افراد اطلاق می‌شود، از دیرباز دگرگونی معنایی قابل توجهی داشته است. سخن گفتن، یک رفتار زبانی است که بنا بر موقعیت اجتماعی، سن و جنسیت افراد، به گونه‌های مختلف انجام می‌پذیرد. در تعریف زبان‌شناسان سبک عبارت از «شیوه کاربرد زبان در یک بافت معین، به وسیله شخص معین، برای هدفی مشخص» است. (Leech, 1981: 10).

انسان‌ها از یک سو در زندگی با اندیشه‌ها، تفکرات و تجربیاتی متفاوت و گوناگون مواجه هستند و از سوی دیگر نحوه نگرش آن‌ها نسبت به موارد یاد شده، باهم تفاوت دارد. این تفاوت نگرش و زاویه دید، در شاعران و نویسندگان باعث به وجود آمدن آثار گوناگون و سبک‌هایی مختلف شده است، به عبارت دیگر «سبک‌شناسی، دانش شناسایی شیوه کاربرد زبان در سخن یک فرد، یک گروه یا در یک متن یا گروهی از متن‌ها است که بنیاد

کار این دانش بر تمایز، گوناگونی و گزینش زبانی در لایه‌ی زبان (آوایی، واژگانی، نحوی، معنایی و کاربردی) استوار است» (فتوحی، ۱۳۹۵: ۹۲)

آن چه علم سبک‌شناسی را از بسیاری از رویکردهای نقد ادبی متمایز می‌کند، تکیه‌ی آن بر امور عینی و واقعی موجود در متن است هم چنین انگیزه‌های روش شناختی و نظری کاملاً عینیت‌گرای این دانش که مشخص می‌کند در یک متن کدام ویژگی‌های زبانی، کلیدهای راه‌گشای فهم، تفسیر و ارزیابی هستند و کدام عناصر در تحلیل سبک و محتوای اثر ارزش چندانی ندارند. (همان، ۹۳)

برای تعریف دانش سبک‌شناسی معیارهایی، از جمله نگاه خاص، عدول از هنجار، تکرار و تداوم در سخن متناسب با موقعیت و جز آن‌ها با تأکید بر جایگاه ویژه‌ی زبان در مطالعات سبکی ادبیات، حایز اهمیت است. (شمیسا، ۱۷: ۱۳۷۲). یکی از مهم‌ترین معیارها در تعیین سبک یک نوشته را توجه به گزینش شاعر و نویسنده در زبان می‌دانند. (Simpson, 2004: 22) در تحلیل سبک شناسانه‌ی متن، اساس کار را ساختارهایی تشکیل می‌دهند که برجسته‌تر از دیگر عناصر و ساختارها هستند. این عناصر، اغلب شامل آواها، واژه‌گزینی‌ها، ساختار جمله‌ها، تکرار برخی عناصر زبان و انحراف از قاعده‌های زبان معیار است. (وردانک، ۱۳۹۳: ۲۶)

۲-۱. سبک‌شناسی لایه‌ای یا مدرن

سبک‌شناسی لایه‌ای یکی از روش‌های نوین سبک‌شناسی است که با ارایه‌ی الگوی زبان شناختی به تجزیه و تحلیل ویژگی‌های سبکی متن و چگونگی شکل‌گیری مفاهیم می‌پردازد. در سبک‌شناسی لایه‌ای مبانی سبک ساز در پنج لایه‌ی زبان «آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک» (دو مورد اخیر به جای معنی‌شناسی کاربرد شناسی) بررسی می‌شود.

مزیت روش لایه‌ای در آن است که با بهره‌گیری از روش‌های متنوع سهم هر لایه را در برجسته‌سازی متن، جداگانه مشخص می‌کند و مشخصه‌های ویژه‌ی سبک و نقش و ارزش آن‌ها را در هر لایه جداگانه روشن می‌سازد. کشف و تفسیر پیوند مشخصه‌های صوری متن را با محتوای آن آسان‌تر و تأثیر زیبا شناسی و نقش ایدئولوژی عناصر مرتبط با هر لایه را تبیین می‌کند و از آشفتگی تحلیل و تداخل داده‌ها و دیدگاه‌ها پیشگیری می‌کند و در هر لایه امکان نگرانه‌ها و روش‌های مناسب را فراهم می‌سازد (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۳۷) و اثبات می‌کند که اثر هنری در کدام لایه‌ی زبانی و بیانی برجستگی بیش‌تر دارد و اثرگذارتر است.

۳. لایه‌های سبکی در شعر علوی انقلاب اسلامی

در این بخش سبک‌شناسی شعر علوی انقلاب اسلامی در چهار لایه‌ی آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی و ایدئولوژی که در این سطوح تجلی می‌یابد با مراجعه به اشعار شاعران برگزیده، بررسی و تبیین می‌گردد.

۳-۱. لایه آوایی

تحلیل آوایی سبک به الگوهای صوتی و شیوه تلفظ در زبان گفتار و نوشتار نظر دارد و در پی پاسخ به این پرسش است که کاربرد خاص الگوهای آوایی و واجی تا چه اندازه می‌تواند گفتار یک شخص را برجسته کند و به آن شکلی خاص بدهد به گونه‌ای که با شکل‌های عادی سخن و زبان معیار متفاوت باشد. (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۴۳) سبک شناسی آوایی، ارزش و کاربرد آواها و تأثیرات زیبایی شناسیک و نقش آن‌ها را در سبک سخن مطالعه می‌کند. بخش عمده زیبایی‌های موسیقایی حاصل لایه آوایی سبک است. تغییرات آوایی به برونه زبان متعلق هستند اما بر ساخت‌های معنایی نیز اثر می‌گذارند. (همان، ۲۴۸)

۳-۱-۱. تکرار

یکی از محورهای اصلی لایه آوایی شعر، تکرار است. مدار موسیقی شعر بر تنوع و تکرار استوار است و برجسته‌ترین ویژگی آوایی تکرار واژه، جمله و عبارت می‌باشد. در اشعار علوی که پژوهندگان مورد بررسی قرار داده‌اند، تکرار از مواردی است که بسامد زیادی داشته است. تکرار حروف در بعضی از اشعار باعث زیبایی، ایجاد وزن شعری و هم‌چنین نقشی مهم در شکل آفرینی و تصویرسازی دارد.

ای مردترین مردم و مظلوم‌ترین مرد
اندیشه تو در گذر خاک چه می‌کرد

(رسول‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۵)

تکرار حرف «م» و هم‌چنین تکرار واژه مرد، باعث زیبایی و موسیقی کلام شده، تداعی مردی و مردانگی می‌کند.

در انتهای سپیده به سوگ یاس سپید
گریست چشمه هم از چشم اشکیار علی

(همان، ۱۴۳)

تکرار حرف «س» در مصرع اول علاوه بر زیبایی، تصویری از سپیدی می‌سازد و تکرار حرف «ش» در مصرع دوم باعث زیبایی، ایجاد موسیقی و باز هم تصویری از چشمه و ریزش آب را ساخته است.

فلک امشب مگر ماهی دگر زاد
ز ماه خویش ماهی خوبتر زاد

(بهبهانی، ۱۳۸۱: ۹۷)

تکرار واژه «ماه» و حرف «م» باعث برجستگی کلام، زیبایی و موسیقی شده است و تصویری از ماه می‌سازد.

آزرده این زمزمه بودند و نبودند
آنان که ولی نعمتشان درد بود درد

تقریر کمالات تو در عهده ما نیست
تو سبزترین سبزی و ما زردترین زرد

(رسول‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۳۵)

تکرار واج «ز» و «د» باعث برجستگی کلام، زیبایی موسیقی شده و تداعی زردی، درد و رنج می‌کند.

تکرار واژه علی علیه السلام به عنوان قافیه و در بین ابیات باعث به وجود آوردن آهنگ و ایجاد موسیقی اشعار شده است. یکی دیگر از مهم‌ترین و برجسته‌ترین کارکردهای تکرار در شعر معاصر، استفاده از آن برای تأکید بر روی واژه، احساس، موضوع و یا مفهومی خاص است. در شعر علوی نیز از تکرار به منظور تأکید استفاده شده است تا احساس عمیق شاعر و ارادت او را نشان دهد.

نسیم می‌گذرد هر شب از دیار علی / شمیم عاطفه دارد به اعتبار علی

(همان، ۱۳۴)

شد سعادت یارم از لطف خدایت یا علی / تا که شد ورد زبان من ثنایت یا علی

(همان، ۶۵)

تا زنده‌ام به جهان گویم ثنای علی / جانم فدای علی، جانم فدای علی

(حالت، ۱۳۸۱: ۱۴۰-۱۴۱)

جلوه معرفت در تو پیدا علی / یا علی یا علی و یا مولا علی

(رسول زاده، ۱۳۷۸: ۵۲)

سائل درگاه توأم یا علی / محور رخ ماه توأم یا علی

(رحماندوست، ۱۳۹۰: ۳۰۵)

زنده شد هستی به اقبال علی / آفرین بر قرعه فال علی

(احمدی، ۱۳۷۹: ۴)

تکرار واژه علی علیه السلام در این ابیات علاوه بر وجود آوردن ردیف و ایجاد موسیقی، به نوعی تأکید بر اعتبار و ارزش حضرت در جهان هستی و اظهار عشق و محبت بر وجود ایشان می‌نماید.

۳-۲. لایه واژگانی

بخش عمده‌ای از سرشک یک سبک ادبی را نوع‌گزینش واژه‌ها می‌سازد. واژه‌ها از نظر ویژگی‌های ساختمانی، گونه‌های دلالت و مختصات معنایی بسیار متنوع هستند. (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۴۹) هنگام تحلیل سبک‌شناختی واژه‌ها باید با ماهیت واژه‌ها و نقشی که در آفرینش متن و محتوا دارند آشنا باشیم. دلالت‌های واژه‌ها متنوع هستند که شامل عینی و ذهنی، عام و خاص، صریح و ضمنی و جز این‌ها می‌باشد. در بررسی واژه‌های اشعار علوی، موارد زیر مشاهده می‌شود.

۳-۲-۱. عینی و ذهنی بودن واژگان

عینی بودن واژه‌ها: هر چند واژه‌های ذهنی در شعر علوی به فراوانی وجود دارد ولی در بیش‌تر موارد شاعران از واژه‌های عینی برای بیان مفاهیم انتزاعی بهره برده‌اند. فراوانی واژه‌های عینی در اشعار علوی بسیار بالا است.

واژه‌های چاه، ماه، دریا، خورشید، نان، خرما، نخلستان، خبیر، انگشتر، ذوالفقار به فراوانی در این گونه اشعار دیده می‌شود.

شعرهایم را همیشه زخم‌های مرتضی
تا به شام و چاه و نخلستان تنها می‌برد
(زیادی، ۱۳۸۱: ۲۳۷)

واژه‌های زخم، چاه و نخلستان عینی است.

چاه شد محرم اسرار تو
ماه خجل گشته ز رخسار تو
(رحماندوست، ۱۳۹۰: ۳۰۵)

باز در چاه گریست
باز هم آه کشید
(ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۱۳۸)

آه، ای چاه، ای تو دمساز علی
ای دلت، گنجینه راز علی
(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹: ۴۸۹)

تنها سرچاه می‌روم گاه به گاه
سر می‌نهم اندوهگنان بر سر چاه
(موسوی گرمارودی، ۱۳۹۸: ۵۲۳)

دلم از چاه کم‌تر نیست، گاهی
نواز این قعر ژرفا را به آهی
(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹: ۴۹۳)

در این گونه از اشعار تنهایی و غربت حضرت علی علیه السلام که یک مفهوم انتزاعی و حسی هست با کلمات چاه و ماه که کلمه عینی هست نشان داده شده است.

باز هم خرما و نان / در دل کیسه گذاشت / و قدم‌هایی نرم / در دل شب برداشت / باز در کوچه شب / حلقه‌ها بر در زد / کودکان را یک یک / نان و خرما بخشید.

(ابراهیمی، ۱۳۷۸: ۳۸)

واژه‌های خرما، نان، کیسه، قدم، کوچه و حلقه واژه‌های عینی هستند.

می‌شناسم شانه‌هایی را که خرما می‌برد
شام‌ها را در دل ما می‌برد
(زیادی، ۱۳۸۱: ۲۳۷)

هر که شب آوای پایش می‌شنید
یک طبق نان، صد طبق اخلاص داشت
بوی نان از دست‌هایش می‌شنید
خوان احسان بهر عام و خاص داشت

(مجاهدی، ۱۳۷۷: ۱۱۸)

آن شهنشاه خوش اندیشی که در وقت نماز
کرد اهدا برگدا از جود انگشتر علی است
(رسول زاده، ۱۳۸۵: ۷۷)

واژه‌های نان، خرما، کوجه، انگشتر واژه‌های عینی که مفهوم ذهنی سخاوت و بخشندگی حضرت علی علیه السلام را نشان می‌دهند.

فاتح خیبر تویی ای شیر مرد کارزار جان به قربان ید خیبرگشایت یا علی

(رسول زاده، ۱۳۸۵: ۶۵)

هنوز خاطر خیبر به یاد می‌آرد حماسه‌های شگرفی ز ذوالفقار علی

(همان، ۱۴۳)

او حیدر کرار است صاحب ذوالفقار است

(یاری، ۱۳۷۸: ۷۸)

آن یدالله دست خیبر گیر او پشت امت محکم از شمشیر او

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۶۷)

واژه‌های عینی ذوالفقار، حیدر، خیبر تداعی‌کننده مفهوم ذهنی شجاعت حضرت علی علیه السلام هستند.

۲-۲-۳. واژگان نشان‌دار

واژه‌های نشان‌دار علاوه بر دلالت بر یک مفهوم خاص، دربردارنده معانی ضمنی و مفاهیم ارزشی نیز هستند که نگرش و طرز تلقی نویسنده و گوینده را در خود دارند. (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۶۴)

وجود معانی ضمنی و تداعی‌های مثبت و منفی در واژه‌های نشان‌دار، سبب می‌شود که این واژه‌ها در بردارنده دیدگاه و نگرش مشخص و تلقی ایدئولوژیک باشند؛ از این رو نشان‌داری، بیان‌کننده رابطه بینافردی در کلام است و سطوح سبکی را بیان می‌کند. میزان استفاده از لغات بی‌نشان و نشان‌دار، می‌تواند معیار روشنی برای شناسایی سبک، انعکاس فردیت، دیدگاه روایی (کانون بندگی و روایت داستانی) و تعیین میزان دخالت نویسنده در یک متن یا بی‌طرفی وی باشد. (همان، ۲۴۶)

تمام واژه‌های چاه، ذوالفقار، حیدر، نان، خرما، شب، شمشیر، خیبر و انگشتر واژه‌هایی نشان‌دار هستند که به داستان‌ها و گوشه‌هایی از زندگی حضرت علی علیه السلام اشاره می‌کنند.

۱-۲-۳-۳. واژه‌های دینی: کاربرد واژه‌های دینی در اشعار علوی فراوان است که نمونه‌هایی از آن ذکر

خواهد شد.

مقصود و مراد اهل رازست علی تفسیر بهشت دلتوازست علی

تبیین زکات، مفسر حج، روح جهاد حیثیت روزه و نماز است علی

(رسول زاده، ۱۳۸۵: ۵۰)

وای بر آنان که خیره سر شدند
 وای تو ای قرآن ناطق کر شدند
 (عزیزی، ۱۳۶۸: ۲۸)

ایمان و امان و مذهبش بود نماز
 در وقت عروج مرکبش بود نماز
 (امین پور، ۱۳۶۳: ۱۹)

الله اکبر از تو که در خون شناوری
 بعد از تو رود، راهی دریا نمی شود
 (جلوداریان، ۱۳۹۲: ۴۶)

واژه‌های دینی «نماز، روزه، مسجد، حج، زکات، قرآن، ایمان، دعا، بهشت» در شعر علوی به فراوانی وجود دارد و فضای شعر را مذهبی نموده است.

۳-۳. لایه نحوی

نحو منظم، مولود ذهن نظام‌مند است. ساخت اندیشه، با نحو پیوند آشکاری دارد. کیفیت چیدمان کلمه‌ها در جمله، طول جمله‌ها، کیفیات وجه و زمان، همگی بیان‌کننده نوع اندیشه هستند؛ بنابراین، کیفیات روحی و ذهنیات پنهان‌گوینده در عناصر نحوی، بیش‌تر خودنمایی می‌کند. (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۶۷)

۳-۳-۱. ساختمان جمله‌ها

باید توجه داشت که کوتاهی و بلندی جملات در کلام شاعران بستگی به فضای حاکم بر شعر دارد؛ به این معنی که برای نشان دادن شتاب در شعر جملات کوتاه می‌آید و بر عکس فراوانی جملات بلند، سبکی آرام را رقم می‌زند. هر چند در این گونه شعر، اشعاری با جملات کوتاه وجود دارد ولی فراوانی اشعار با جملات طولانی و پیوسته بیش‌تر و به گونه‌ای است که انسجام معنایی در درون جمله‌ها وجود دارد.

عدالتی که فقط پنج سال بر پا بود
 نشان قدرت حق است و اقتدار علی
 (رسول زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۳)

در کعبه علی به لطف حق دیده گشود
 آمد به وجود، روشنی بخش وجود
 (همان، ۸۲)

بعد از تو هیچ پنجره‌ای وا نمی شود
 خورشید، نقطه‌ای است که معنا نمی شود
 (جلوداریان، ۱۳۹۲: ۴۶)

گر حدیث راست می خواهی و گفتار درست
 مدح باید از شه دین، حیدر صفدر کنی
 (همایی، ۱۳۶۴: ۱۶۳)

فلک خون تو را آب وضو کرد
 رخت را قبله‌گاه آرزو کرد
 (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹: ۴۹۲)

از نظر نوع سبکی می‌توان آن را سبک وابسته دانست که از نوع سبک‌های ترکیبی است که در آن جمله‌های دو جزئی مرکب شرطی و بندهای پایه و پیرو، وابسته هم هستند. رابطه آن‌ها به گونه‌ای است که یکی از جمله‌ها بر دیگری تکیه دارد. در این سبک جمله‌ها، حامل اندیشه‌های وابسته به هم به شمار می‌روند، به این صورت که سیاق نحوی، اندیشه‌ها را در ساختارهای مرکب از دو جمله‌ی وابسته پایه و پیرو قرار می‌دهد. (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۷۷)

در اشعار زیر نمونه‌هایی از این سبک وابسته وجود دارد.

در ذوق جان حلاوت وحی خدا دهد	شیوایی خطابه و شاهد پیام تو
دون کلام خالق و فوق کلام مخلوق	نهج البلاغه آن ملکوتی کلام تو

(ریاضی یزدی، ۱۳۶۶: ۱۱۶، ۱۱۷)

عرش و فرش و کرسی و لوح و قلم	مات و میهوتند از حال علی
------------------------------	--------------------------

(احمدی، ۱۳۷۹: ۴)

قلم به دست گرفتند کاتبان بهشت	که عشق را بنگارند از زبان بهشت
قلم به دست گرفتند چاه‌های صبور	که سر به مهر نباشند خاندان بهشت

(جلوداریان، ۱۳۹۲: ۵۰)

در موارد اشاره شده مصرع دوم وابسته و پیرو مصرع اول است. زمانی که یک قسمت از شعر را می‌خوانیم از لحاظ اندیشه منتظر قسمت بعدی آن هستیم که کامل‌کننده باشد.

۳-۲. وجهیت در فعل جمله

تلقی‌های گوینده درباره یک موضوع در «وجه کلام» وی مشخص می‌شود (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۸۵). وجهیت، عبارت از میزان قاطعیت گوینده در بیان یک گزاره است که به طور ضمنی به وسیله عناصر دستوری نشان داده می‌شود و بیان‌کننده منظور یا قصد کلی یک گوینده یا درجه پایبندی او به واقعیت یک گزاره یا باور پذیری، اجبار و اشتیاق نسبت به آن است. وجه مقوله‌ای است نحوی-معنایی که نظر و دیدگاه گوینده را در جمله نسبت به موضوع سخنی که بیان می‌کند، نشان می‌دهد. وجه در ساختمان بند از آن جهت اهمیت دارد که حاکی از «جهت‌گیری خاص نویسنده نسبت به آن چه می‌گویند» است. (Simpson, 1993: 39)

وجهیت به طرز بارزی در فعل جمله نیز نمود دارد. وجه فعل، «صورت یا جنبه‌هایی از آن است که بر اخبار، احتمال، امر، آرزو، تمنی، تأکید، امید و برخی امور دیگر دلالت می‌کند» (فرشید ورد، ۱۳۸۲: ۳۸۱)

به نظر پژوهندگان، وجه فعل در این نوع اشعار وجه معرفتی است که به آگاهی، باور و شناخت گوینده از موضوع مرتبط است و دلالت بر اطمینان یا عدم اطمینان گوینده درباره صدق یک گزاره دارد.

افعال و قیدهای ناظر بر اطمینان قطعی از این قرار می‌باشند: «مسلم است، یقین دارم، باید، به طور مستدل، یقیناً، مسلماً، قطعاً، مطلقاً».

تا به کی افسانه از دارا و اسکندر کنی
قصه باید از امیرالمؤمنین حیدر کنی
(همایی، ۱۳۶۴: ۱۶۳)

بر آسمان به یقین نازد، ز فخر زمین
زیرا که چیده چنین بز می برای علی
(حالت، ۱۳۸۱: ۱۴۰، ۱۴۱)

باید سکوت کرد و غم چاه را شنید
باید تو را شنید، دریغ نمی‌شود
(جلوداریان، ۱۳۹۲: ۶۴)

در موارد اشاره شده وجود قیدهای باید و یقین بر اطمینان نویسنده نسبت به آنچه می‌گوید دلالت می‌کند. وجه عاطفی در بردارنده شور، هیجان و احساسات گوینده و نشان دهنده درجه دوستی یا نفرت وی نسبت به موضوع است. بیان احساساتی مانند اندوه، شادی، درد، لذت و ستایش و آفرین، نفرت و کینه، شگفتی، حسرت یا افسوس و مقولاتی از قبیل شرط، تعجب، نفرین با این وجه صورت می‌گیرد (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۸۹).

شور و نشاط درون زاندازه گشته فزون
کافتد ز پرده برون امشب لقای علی
(حالت، ۱۳۸۱: ۱۴۰، ۱۴۱)

یا علی عشق از تو غلغل می‌کند
بلبل از هجران تو گل می‌کند
(عزیزی، ۱۳۶۸: ۲)

ناله و فریاد نه، پرخاش کن
راز شب‌های علی را فاش کن
(مجاهدی، ۱۳۷۷: ۱۱۷)

عرش و فرش و کرسی و لوح و قلم
مات و مبهوتند از حال علی
(احمدی، ۱۳۷۹: ۴)

زنده شد هستی به اقبال علی
آفرین بر قرعه فال علی
(همان، ۴۶)

سر نهاده بوتراب اندر تراب
بود غرق شوق و شور و التهاب
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۷۱)

کوفه آن شب حسرتی انبوه داشت
خفته در خاطر غمی چون کوه داشت
(همان، ۶۶)

در تمام ابیات که در سطرهای بالایی آمده، وجه عاطفی با عبارات شور، نشاط، عشق و هجران، ناله و فریاد، شوق، آفرین، حسرت و غم نشان داده شده است.

۳-۳-۳. صدای دستوری و سبک

بخشی از رابطه سبک و اندیشه در صدای دستوری بازتاب می‌یابد. صدای دستوری عبارت از رابطه میان رخداد یا حالت فعل با دیگر شرکت‌کنندگان در فرآیند فعلی است (فاعل، مفعول و ...) (فتوحی، ۱۳۹۵: ۲۹۵).
صدای فعال: صدای فعال یا (مؤثر) بیان‌کننده انجام یک عمل توسط عنصر اصلی جمله (نهاد) است. وقتی نهاد جمله، کنشگر یا عامل فعل باشد، جمله صدای فعال و مؤثر دارد. این صدا از آن رو فعال نامیده می‌شود که عملی از جانب کنشگر (فاعل) که پویاترین یا فعال‌ترین بخش جمله است، جاری می‌شود و در کلام بسط پیدا می‌کند.

سوار باره نور آن نفس که تاخت علی	فراز قصر ملک آشیانه ساخت علی
سحرگهی که به محراب عشق برد نماز	تمام هستی خود را به دوست باخت علی

(رسول زاده، ۱۳۸۵: ۵۰)

اختیار جنت و دوزخ به روز واپسین شد محول بر تو ز امر کبریایت یا علی

(همان، ۶۵)

دین خدا را جان فدا، هر لحظه بودی هر کجا بر هر مسلمان رهنما اندر ره فرقان علی

(طهوری، ۱۳۷۸: ۸۳، ۸۴)

امید تشنگان اشک علی بود	خدا هم صحبت اشک علی بود
علی زیباتر از لبخند خورشید	نگین نور بود و می‌درخشید
علی می‌کاشت بذر مهربانی	درون قلب‌های آسمانی

(حمزه‌ای، ۱۳۷۸: ۲۹)

در تمامی موارد بالا، عمل از جانب فاعل که علی علیه السلام است جاری شده که باعث گشته صدای سبک فعال شود.

۳-۴. لایه بلاغی

مطالعات سطح بلاغی زبان، سهم زیادی در سبک‌شناسی دارد. شگردهای بلاغی و صناعات بدیعی را «تمیدات سبکی» نیز می‌نامند. این تمهیدات، هم در آفرینش متن خلاق کار آمد هستند و هم به فرآیند خوانش و تحلیل متن یاری می‌رسانند در همین لایه است که سبک‌شناسی می‌تواند با تکیه بر میزان کاربرد آرایه‌های بلاغی، سرشت صوری و محتوایی ویژه‌ای پیدا کند؛ مثلاً کاربرد تشبیه در یک متن، سبک تشبیهی را شکل می‌دهد و بسامد بالای استعاره، سبک استعاری را رقم می‌زند (فتوحی، ۱۳۹۵: ۳۰۴؛ شمیسا، ۱۳۷۳: ۳۲-۳۴)

۳-۴-۱. تشبیه

در اشعار علوی عنصر تشبیه با بسامد بالایی به کار گرفته شده است. شاعر به مدد تشبیهات بدیعی، پیوند عاطفی با مخاطب برقرار می‌کند. تشبیه حضرت علی علیه السلام به «ماه، چشمه، دریا، کوه، شیر و گل» و هم‌چنین

برای افعال و صفات ایشان نیز تشبیهاتی به کار برده شده است. تشبیهات صریح و بلیغ بیشترین بسامد را در این گونه از اشعار دارد.

سرافرازی، شکوهی، بیستوهی	اگر کوهی بلند ایستاده کوهی
نه آغاز تو پیدا و نه سرانجام	گر اقیانوس، اقیانوس آرام
به جز حق نداری هیچ بر لب	شب تاریخ را مرغ شبی، شب
تو فریادی و دیگرها چه آهند	تو نوری دیگران شام سیاهند

(موسوی گرمارودی، ۱۳۷۲: ۹)

در این ابیات حضرت علی علیه السلام به کوه، به اقیانوس، به مرغ شب، به نور و به فریاد تشبیه شده و در بیشترین موارد وجه شبه ذکر گشته است.

پل بست بین خاک و خدا مولا	برخاست مثل کوه ز جا مولا
در زلف کوجه‌های رها مولا	چون عطر آسمانی گل پیچید

(موسوی گرمارودی، ۱۳۹۰: ۱۲۳)

در این ابیات حضرت علی علیه السلام به کوه و به عطر تشبیه شده است.

تا تماشا کند حق تو را آمدی	خورشید خلقتی تو سر سرمدی
----------------------------	--------------------------

(رسولزاده، ۱۳۷۸: ۵۲)

در این ابیات حضرت علی علیه السلام به خورشید و به سر آفرینش تشبیه شده است.

ای نام بلندت آشنای دل ما	تو شیر حقی، دست حقی، مرد حق
--------------------------	-----------------------------

(سبزواری، ۱۳۶۸: ۴۵۹)

در این بیت امام علیه السلام به شیر حق، دست حق و مرد حق تشبیه شده است.

علی جوشید مثل چشمه از خاک	بیابان بود و خار و خاک و خاشاک
همه جا با محمد هم صدا شد	علی جاری ترین رود خدا شد
نگین نور بود و می درخشید	علی زیاتر از لبخند خورشید

(حمزه‌ای، ۱۳۷۸: ۲۹)

در این ابیات حضرت علی علیه السلام به چشمه و به رود و به لبخند خورشید تشبیه شده است.

ز ماه خویش، ماهی خوبتر زاد	فلک امشب مگر ماهی دگر زاد
که شاهان بر رهش ساینند سر، زاد	شهنشاهی، بزرگی، نامداری
غزال ماده گویی، شیر نر زاد	فری بر ما در نیکو سرشتش

(بهبهانی، ۱۳۸۱: ۹۷)

می‌خواستیم ماه خطابت کم ولی
 مثل تو ماه، این همه زیبا نمی‌شود
 (جلوداریان، ۱۳۹۲، ۴۶)

در ابیات بالایی حضرت علی علیه السلام به ماه تشبیه شده که تشبیه بلیغ است.
 علی گل، وین جهان چون شبنم اوست
 خدا داند که دریا یک نم اوست
 (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹: ۴۹۳)
 در این بیت امام علیه السلام به گل تشبیه شده که تشبیه بلیغ است و تمام دنیا را چون شبنم بر روی گل وجود ایشان و دریاها را نمی‌در مقابل دریای عظمت او می‌داند.

تشبیهات فراوانی مانند «غم چاه، کوه غصه، خوان احسان، چاه غربت، شیرغضببان، آفتاب معرفت، شاه اقلیم ولایت و دریای هستی» به فراوانی در این گونه اشعار استفاده شده است.

بعضی تشبیهات به صورت جمله می‌باشد که به صورت تشبیه تمثیلی به کار برده شده است.
 خورشید ز پشت کوه‌ها سر نزنند
 تا بوسه به خاک کوی حیدر نزنند
 سنگی ست فتاده در میان گل و لای
 آن دل که به یاد عشق او پر نزنند
 (رسول‌زاده، ۱۳۸۵: ۵۰)

۳-۲-۲. تشخیص

زیبایی تصویرهایی که تشخیص در کانون آن‌ها قرار گرفته است، ناشی از سه عامل می‌دانند: «به نهایت رسیدن پیوند این همانی میان دو چیز مستقل و جدا از هم؛ جریان نوعی حرکت و زندگی در متن تصویر؛ انگیزش اعجاب و شگفتی، با دیدن رفتاری به خصوص از موجودی که در عالم واقع صدور چنان فعلی از او قابل تصور نیست» (مظفری، ۱۳۸۱: ۹۶)

در بیش‌تر اشعار عنصر تشخیص وجود دارد. یکی دیگر از ویژگی‌های شعر علوی کاربرد فراوان تشخیص می‌باشد که در ایجاد تصاویر شعری پویا نقشی مهم دارد و نمونه‌هایی از آن را می‌آوریم.

یا علی گفتیم و دریا خنده کرد
 عشق ما را باز هم شرمنده کرد
 (اکرامی، ۱۳۹۵: ۳۱)

پیشانی او به مرگ خندید، شکافت
 چون ماه که تا روی نبی دید شکافت
 (امین‌پور، ۱۳۶۳: ۱۹)

رودهای لال لب وا کرده‌اند
 با جماعت قصد دریا کرده‌اند
 (اکرامی، ۱۳۹۵: ۳۰)

کوه آهسته گام بر می داشت / باد ایستاده بود / کهکشان درنگ داشت / خاک بی قرار بود / سنگ چکه چکه ریخت.

(هراتی، ۱۳۸۰: ۲۶۱)

عشق ما را باز هم شرمنده کرد

آسمان یک بار دیگر خنده کرد

(اکرامی، ۱۳۹۵: ۳۰)

مانده از حسرت دهان چاه باز

بس که دارد از علی در سینه راز

(مجاهدی، ۱۳۷۷: ۱۱۷)

در تمامی موارد که در سطرهای بالایی آمده است، خنده دریا، خنده پیشانی، خنده آسمان، حرف زدن رودها و گام برداشتن کوه و جز آن‌ها مواردی از تشخیص به شمار می‌رود که باعث به وجود آوردن تصاویری زیبا شده است.

۳-۴-۳. استعاره

در مطالعات ادبی، استعاره را رکن اساسی خلاقیت و نمود ویژه فردیت هنری مؤلف می‌شمارند. سبک‌شناسان نیز استعاره را از مهم‌ترین صورت‌های مجازی می‌دانند و گاه آن را به منزله یک سبک رده‌بندی می‌کنند. با دقت در نوع شگردهای استعاری یک مؤلف، میزان دخالت خیال وی در توصیف موضوع و نوع تصرف در آن را می‌توان نشان داد. (فتوحی، ۱۳۹۵: ۳۱۴)

در اشعار علوی استعاره بسامد بالایی دارد. در این اشعار واژه‌هایی مانند کوه، دریا، خورشید، شیر، آفتاب، ماه و جز این‌ها استعاره از حضرت علی علیه السلام به کار برده شده است.

با دلی داغدار گم می‌شد

کوه می‌رفت پشت نخلستان

سینه خاک را چراغان کرد

کوه با آفتاب نیم شب

(بیابانکی، ۱۳۹۵: ۵۷)

در این ابیات کوه استعاره از حضرت علی علیه السلام و آفتاب استعاره از حضرت زهرا علیها السلام است.

سرو چنین خوش خرام

ماه این چنین خوش کلام

(یاری، ۱۳۷۸: ۷۸)

فراز قله مردی علم زد

تو آن کوهی که در توفان اندوه

(حسینی، ۱۳۹۲: ۵۲)

در سپهر معدلت، مهر جهان گستر علی است

آفتاب معرفت، ماه بلند اختر علی است

(رسول زاده، ۱۳۸۵: ۷۷)

در ابیات بالا باز هم ماه، سرو، آفتاب معرفت و مهر جهان گستر همه استعاره‌های از حضرت علی علیه السلام است.

استعاره‌ها در شعر علوی بیش‌تر از طبیعت گرفته شده و در باور جمعی قرار داده شده است به گونه‌ای که در همه دوران به خاطر شجاعت واژه شیر را به عنوان لقب ایشان می‌شناسند و به خاطر استواری زیاد کوه نامیده می‌شوند.

۳-۵. ایدئولوژی

ایدئولوژی نظامی از باورها و عقاید، نگرش‌ها، ارزش‌ها و احساسات است که به طور خودآگاه یا ناخودآگاه در نوشتار و گفتار نمودار می‌شود. ساختارها و رخداد‌های کلامی اساساً ماهیتی ایدئولوژیک دارند. ایدئولوژی در سطوح مختلف سبک و کلام (نظام‌های آوایی، واژگانی، نحوی و بلاغی) نمود می‌یابد. هر کدام از سطوح زبان دارای بار ایدئولوژیک متفاوت هستند که به صورت صریح و ضمنی بازتاب می‌یابند. در بررسی سبکی اشعار علوی ایدئولوژی در سطوح مختلف آن وجود دارد. در سطح آوایی تکرار حروف و واژه علی عَلِیٌّ علاوه بر ایجاد موسیقی، باعث تأکید کلام شده و احساس عمیق شاعر را نسبت به حضرت نشان می‌دهد. وجود واژه‌های نشان‌دار که از لحاظ تاریخی و فرهنگی مفاهیم و دلالت‌های ضمنی متعدد دارند، باعث شده این شعر در سطح واژگانی دارای ایدئولوژی شفاف و صریح باشد. وجود افعالی با وجه معرفتی و شناختی در لایه نحوی ارزش ایدئولوژیکی این سطح را نشان می‌دهد این ویژگی زبانی، یعنی وجه معرفتی و عاطفی نشان می‌دهد شاعر به آن چه از زیبایی‌ها و نیکویی‌هایی که در وجود امام عَلِیٌّ هست، باور عمیق دارد و با تمام وجود به ایشان عشق می‌ورزد.

در لایه بلاغی تشبیهات و استعاراتی مانند دریا، کوه و شیر و جز آن‌ها وجود دارد که در دوره‌های مختلف و در میان شاعران گوناگون تکرار شده و در حافظه گروهی و باورهای جمعی قرار گرفته است. بنابراین با توجه به موارد بیان شده شعر علوی دارای ایدئولوژی صریح است که در تمام لایه‌های زبانی شعر رسوخ کرده و اندیشه‌ها، احساسات و فضایل و شخصیت ایشان مورد قبول و باور عمیق شیعیان و دوستداران ایشان در تمام طول تاریخ به شمار می‌رود.

نتیجه گیری

به طور کلی شعر علوی، شعری به شمار می‌آید که مخاطب آن تمام بشریت و وجدان‌های بیدار تاریخ است که با اندیشه و شخصیت یک انسان کامل آشنا شوند و شیوه سلوک و زندگی درست را یاد بگیرند. بنابراین شعری محتوا محور می‌باشد که زبان در خدمت معنا به کار گرفته شده است. در بررسی لایه‌های زبانی برجستگی‌هایی وجود دارد که به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- در تحلیل لایه آوایی مشخص می‌شود که این اشعار، موزون و دارای ردیف و قافیه است. وجود آهنگ و موسیقی باعث زیبایی و اثرگذاری بیش‌تر در مخاطبان می‌شود. تکرار واژه علی عَلِيٍّ در این اشعار بسامدی بالا دارد و بیش‌تر شاعران و در همه دوران‌ها برای قافیه و آهنگ کلام خود از آن استفاده نموده‌اند. تأکید و تکرار فراوان نام علی عَلِيٍّ در لایه آوایی بر محوریت و ارزش وجود ایشان تأکید می‌کند؛

۲- در تحلیل لایه واژگانی اشعار علوی این نکته به روشنی دیده می‌شود که در این اشعار از واژگان عینی برای بیان مفاهیم انتزاعی استفاده شده است. کاربرد واژگان عینی و برگرفته از طبیعت مانند دریا، کوه و جز این‌ها برای تحقق اندیشه و ایجاد تصویری شفاف و زیبا و ملموس بسیار مشاهده می‌شود. از دریا برای نشان دادن وسعت و کوه برای نشان دادن عظمت نمونه‌ای از این واژه‌ها و تصاویر است.

وجود واژگان نشان‌دار مانند چاه، خیبر، انگشتر، نان و خرما و جز آن‌ها که دارای بار ارزشی و فرهنگی از زندگی و شخصیت حضرت علی عَلِيٍّ می‌باشد بسیار به کار برده شده است که هر واژه نشان‌دار، گوشه‌ای از شخصیت و سیره و روش ایشان را بیان می‌کند. هم‌چنین در این اشعار واژگان دینی نیز نمود بارزی دارد؛

۳- در لایه نحوی، جملات از لحاظ زبانی، تغییر چندانی نمی‌کند و قاعده‌مند و صحیح به کار برده می‌شود. ساخت جملات ساده و روان و بیش‌تر با یک فعل نشان می‌دهد که چینش واژه‌ها نشان‌دار نیست و معنا به صورت شفاف بیان شده است. در تحلیل لایه بلاغی، عنصر تشبیه، استعاره و تشخیص وجود دارد که از میان این موارد تشبیه بسامدی بالا دارد و حتی می‌توان اشعار علوی را نوعی سبک تشبیهی نامید؛

۴- ایدئولوژی در این شعر صریح و شفاف است که در لایه واژگانی نمودی بیش‌تر دارد. نکته دیگر این‌که، هر چند شاعران معاصر تلاش در استفاده از زبانی تازه برای بیان این نوع شعر نمودند ولی تکرار در سطح واژه‌ها، تصاویر و محتوا در آن زیاد به چشم می‌خورد. شاعران و پژوهشگران باید تلاش نمایند با ابعاد گوناگون ویژگی‌های شخصیتی و علمی ایشان بیش‌تر آشنا شوند و سعی نمایند با نوآوری در زبان و ایجاد تصاویری تازه به جذابیت‌های هنری شعر علوی بیافزایند و از تکرار و کهنگی آن جلوگیری نمایند.

منابع و ماخذ

۱. احمدی، احمدرضا (۱۳۷۹)، عشق شیعه، چاپ دوم، همدان: انتشارات امیر کبیر.
۲. احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۶۶)، مناقب علوی در شعر فارسی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۳. امین پور، قیصر (۱۳۶۳)، در کوچه آفتاب، گزیده رباعی‌ها و دو بیت‌های انقلاب، چاپ اول، تهران: واحد انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
۴. بهار محمدتقی (۱۳۸۱)، سبک‌شناسی، چاپ اول، تهران: زوار.
۵. پارساپور، زهرا؛ اکرم کرمی (۱۳۹۵)، «بازشناخت تحلیلی گونه‌های کم‌تر شناخته شده در نوع ادبی شعر علوی»، فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی، سال اول، شماره ۳، صص ۷۸-۵۵.
۶. جلوداریان، سارا (۱۳۹۲)، نی زار گواه است، چاپ دوم، تهران: نشر دل آرام.
۷. حسینی، سیدحسن (۱۳۹۲)، بال‌های بایگانی، چاپ دوم، تهران: نشر افق.
۸. رسول زاده، جعفر (۱۳۷۸)، سروش ولایت، چاپ دوم، قم: انتشارات رواق اندیشه.
۹. زبیدی، عزیزالله (۱۳۸۱)، در حوالی آفتاب، دفتر سوم، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. سبزواری، حمید (۱۳۶۸)، سرود سپیده با مقدمه آیه‌الله خامنه‌ای و استاد صادق آئینه‌وند، تهران: انتشارات کیهان.
۱۱. شمیسا، سیروس (۱۳۷۲)، کلیات سبک‌شناسی، چاپ دوم، تهران: فردوس.
۱۲. صالحی، پیمان؛ پریسا امیری؛ مهراں معصومی (۱۳۹۹)، «کارکرد لایه واژگانی در بیان ایدئولوژی حاکم بر مدایح علوی عبدالله الوایل الاحسانی»، فصلنامه علمی لسان مبین، سال دوازدهم، دوره جدید، شماره ۴۲، صص ۷۸-۵۹.
۱۳. طه نیا، حسین (۱۳۸۵)، سیمای امام علی علیه السلام در نظم و نثر فارسی، چاپ اول، قم: آشیانه مهر.
۱۴. عاطفی، حسین (۱۳۸۵)، تولای علی در مدح و مرثیه امیرالمومنین، چاپ اول، قم: انتشارات الطیار.
۱۵. عزیزی، احمد (۱۳۶۸)، شرحی آواز، تهران: انتشارات برگ.
۱۶. غلامرضایی، محمد (۱۳۷۷)، سبک‌شناسی شعر فارسی از رودکی تا شاملو. تهران: جامی.
۱۷. فتوحی، محمود (۱۳۹۵)، سبک‌شناسی، نظریه‌ها و رویکردها و روش‌ها، تهران: سخن.
۱۸. مجاهدی، محمد علی (۱۳۷۷)، یک صحرا جنون، چاپ اول، تهران: دارالصادقین.
۱۹. مجموعه شاعران (۱۳۹۵)، آینه گردانی، دین سروده‌های شعرای آیینی، تهران: نسیم انقلاب.

۲۰. مظفری، علیرضا (۱۳۸۱)، خیل خیال، ارومیه: دانشگاه ارومیه.
۲۱. موسوی گرمارودی، سید علی (۱۳۹۶). گوشواره عرش، چاپ چهارم، تهران: سوره مهر.
۲۲. موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۹)، صدای سبز، چاپ سوم، تهران: قدیانی.
۲۳. نیک طلب، بابک (۱۳۷۸)، پنجره‌های آسمان، چاپ دوم، تهران: نشر افق.
۲۴. وردانک، پیتر. (۱۳۹۳)، مبانی سبک شناسی، ترجمه محمد غفاری. چاپ دوم، تهران: نی.
۲۵. هراتی، سلمان (۱۳۸۰). مجموعه کامل اشعار سلمان هراتی، تهران: دفتر شعر جوان.
۲۶. همائی، جلال الدین (۱۳۷۷)، دیوان سنا، مجموعه اشعار جلال الدین همائی به اهتمام ماهدخت بانو همائی، تهران: شرکت نشر هما.
۲۷. یوسفی آملی، حسین؛ مصطفی کمالجو؛ مریم اطهری نیا (۱۳۹۷)، «تحلیل و بررسی خطبه ۲۲۳ نهج البلاغه از منظر سبک شناسی لایه‌ای»، نشریه مطالعات ادبی متون اسلامی، سال سوم، شماره اول، شماره ۱۶، صص ۷۴-۵۱.

28. Leech, Geoffrey. N. (1969). A linguistic Guide to English Poetry. London. (3rd ed. 1973)
29. Simpson, Paul. (1993). Language, Ideology and Point of view. London: Routledge.